

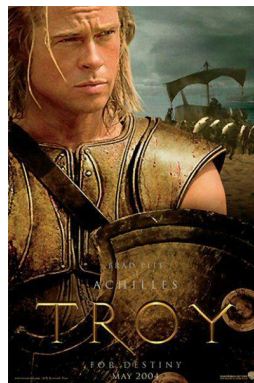


آثار باستانی و ارزش های تاریخی

دو اثر منظوم «ایلیاد» و «اودیسه» هومر (جنگ تروا)

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۵ فروردین ۱۳۹۵ ۵ دقیقه مطالعه



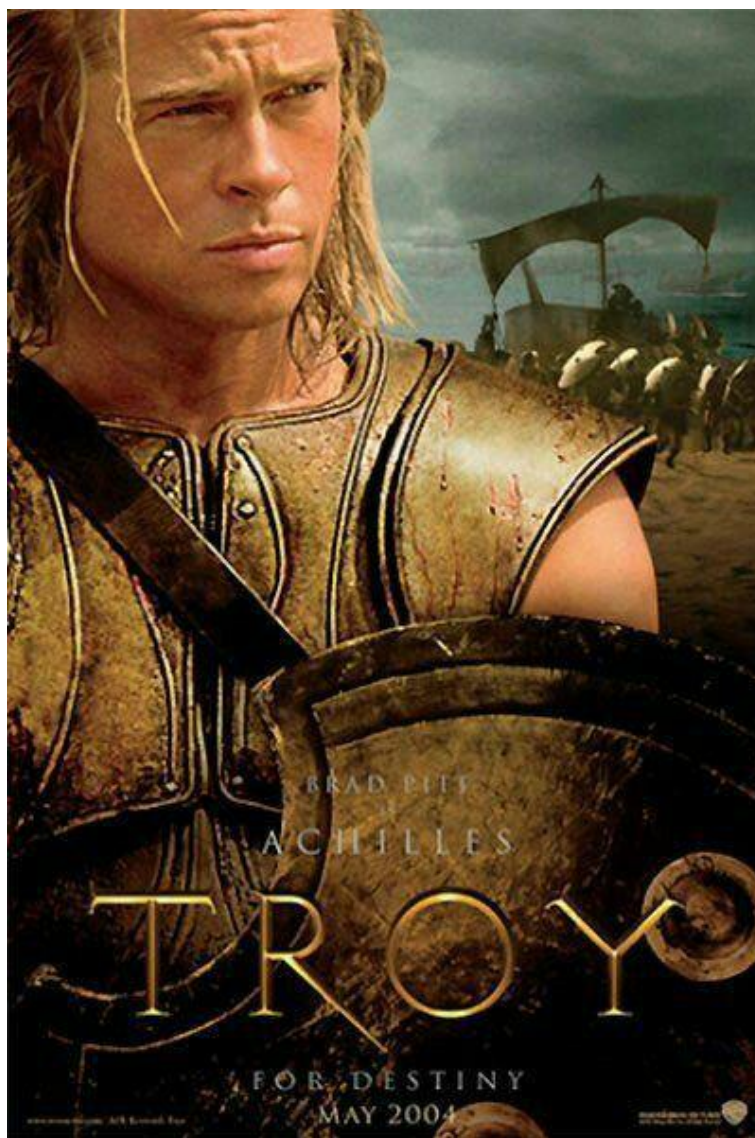
چکیده مقاله

دو اثر منظوم «ایلیاد» و «اودیسه» هومر، در سده ۹ پ.م سروده شده‌اند. (هومر ۸۸۶ پ.م) منظومه «اودیسه» و آثاری چون «تلیگونی» که جزو اشعار حماسی است، و نیز «انئید» اثر ویرژیل رومی و برخی آثار دیگر، همه به پیامدهای جنگ تروا می‌پردازند. جنگ تروا وقتی تمام خدایان المپ در جشن ازدواج با شکوه پلیوس و تتیس دعوت شدند؛ در هنگامه ی جشن، اریس (الهه ی نزاع) که دعوت نشده بود سر رسید و سیب زرین نفاق را در میان مهمانان افکند که روی آن نوشته بود: (برای خوب ترین) سه الهه، یعنی هرا، آتنا و افرودیت ادعا کردند که ا

پارسیان دژ / آثار باستانی و ارزش های تاریخی

دو اثر منظوم «ایلیاد» و «اودیسه» هومر، در سده ۹ پ.م سروده شده‌اند. (هومر ۸۸۶ پ.م)

منظومه «اودیسه» و آثاری چون «تلیگونی» که جزو اشعار حماسی است، و نیز «انئید» اثر ویرژیل رومی و برخی آثار دیگر، همه به پیامدهای جنگ تروآ می‌پردازند.



جنگ تروا

وقتی تمام خدایان المپ در جشن ازدواج با شکوه پلیوس و تتیس دعوت شدند؛ در هنگامه ی جشن ، اریس (الهه ی نزاع) که دعوت نشده بود سر رسید و سیب زرین نفاق را در میان مهمانان افکند که روی آن نوشته بود : (برای خوب ترین)

سه الهه ، یعنی هرا، آتنا و افرودیت ادعا کردند که این سیب به آنها تعلق دارد. چون در این مورد به توافق نرسیدند و زئوس نیز میل نداشت خود در این مسئله اصریمی اتخاذ کند، این سه الهه را به کوه آیدا ، واقع در نزدیکی شهر تروا در ساحل شرقی مدیترانه فرستاد تا از چوپانی به نام پاریس بخواهند که در این مورد داوری کند .

پاریس، پسر پیام پادشاه تروا بود، اما هنگامی که همسر پیام، هکوبا، او را در شکم داشت، خواب دید مشعلی به دنیا خواهد آورد که از آن مارهایی جاری خواهند شد. بنابراین هنگامی که فرزند خود را به دنیا آورد، به یک خدمتکار دستور داد که او را به کوه آیدا ببرد و بکشد. اما خدمتکار به جای آنکه بچه را بکشد او را بالای کوه رها کرد تا بمیرد. چوپانان یا رمه داران او را نجات دادند و بزرگش کردند.

هنگامی که پاریس به فراز کوه به چراندن گوسفندان مشغول بود، هرمس، سه الهه را برای داوری به نزد او هدایت کرد.

هر یک از آنها به او وعده دادند که چنانچه انتخاب شوند (به عنوان بهترین) پاداشی به او خواهند داد.

هرا وعده ی ثروت و قدرت

آتنا وعده ی نیروی نظامی و خرد

و افرودیته عشق زیباترین زنان جهان را به او وعده دادند.

وی با اعلام پیروزی افرودیته، خشم پایان ناپذیر دو الهه ی دیگر را برانگیخت، و از آن پس به دشمنان سازش ناپذیر تروا تبدیل شدند.

پس از این ماجرا، پاریس به تروا بازگشت و نیروی پهلوانی و زیبایی شگفت انگیز او، علاقه ی پدر و مادر واقعی اش را جلب کرد و آنها به زودی هویت او را دریافتند و او را با شور و شعف به خانه بازگرداندند!

زیباترین زن جهان، هلن، دختر زئوس و لیدا بود. بسیاری از پادشاهان و اشراف زادگان در آرزوی ازدواج با او بودند، و پدر میرای او تونداریوس، پیش از آنکه نام خواستگار موفق را اعلام کند، همه ی آنها را سوگند داد که به انتخاب هلن گردن بگذارند و چنانچه روزی هلن ربوده شد، به یاری همسرش بشتابند.

هلن با ملنائوس پادشاه اسپارت ازدواج کرد، و هنگامی که پاریس به ملاقات آنها رفت، آنها صاحب دختری به نام هرمیونه بودند. ملنائوس از پاریس استقبال کرد، اما پاریس مهمان نوازی او را با ربودن هلن و فرار کردن به تروا پاسخ داد. منابع مختلف در مورد نقش هلن در این ماجرا تبیین های متفاوت ارائه کرده اند: اینکه او به رغم میلش دزدیده شده است، یا افرودیته اشتیاق به پاریس را در دل او انداخته و دیوانه اش کرده است، و یا پیچیده تر و از همه ی اینها، اینکه او هیچگاه به تروا نرفته، و یونانیان به خاطر یک توهم به یک جنگ ده ساله کشیده شده اند.

ملنائوس از کلیه خواستگاران پیشین هلن، و سایر پادشاهان و اشرافزادگان یونانی درخواست کرد که برای لشکرکشی به تروا و باز گرداندن همسرش او را یاری دهند. فرماندهی نیروهای یونانی را آگاممنون، پادشاه میسنی و برادر بزرگتر ملنائوس بر عهده داشت. پهلوانان یونانی از کلیه سرزمین ها و جزایر به بندر اولیس وارد شدند، و در آنجا تصمیم گرفتند از طریق دریای اژه به تروا بروند. در فهرست بزرگ کشتی ها در اوایل ایلیاد مبدا و اسامی رهبران ذکر شده است.

اودوسئوس پادشاه ایتاکا بر این پیشگویی آگاه بود و اگر به تروا برود به مدت بیست سال باز نخواهد گشت. (روایت ادیسه) و لذا هنگامی که پالامیدس طلایه دار برای بردن او آمد، دو قاطر را به یک گاو آهن بست و در امتداد ساحل شروع به شخم زدن ماسه ها کرد. اما هنگامی که پالامیدس، مسر خردسال اودوسئوس را در مقابل مسیر

قاطر ها قرار داد، او بلافاصله مهار قاطر ها را کشید و رازش فاش شد.

والدین آشیل، پلیوس و تتیس ، مایل نبودند پسر جوانشان به این اردو بپیوندند، زیرا می دانستند که چنانچه او به تروا برود خواهد مرد.

به منظور گریز از این سرنوشت، او را به اسکوروس فرستادند، و در آنجا در هیات یک دختر در میان دختران پادشاه، بسر می برد.

باری اودوسئوس دریافته بود که یونانی ها بدون آشیل هیچ گاه تروا را تصرف نخواهند کرد.

بر اساس روایتی از این داستان اودوسئوس در هیات یک بازرگان به دربار راه یافت ، و اشیاء خود را در مقابل زنان دربار گسترده؛ در میان این جواهرات و منسوجات سلاح هایی نیز وجود داشت که آشیل به آنها علاقه ای افشاگرانه نشان داد. در منبعی دیگر افشا شدن هویت آشیل را با صدای طبل جنگی ذکر کردند. به هر روی این قهرمان شناخته شد و به آسانی پذیرفت که با اودوسئوس به ناوگان های جنگی در حال آماده شدن بپیوندد.

مجموعه مطالعات اسطوره شناسی بهاره کریمی

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «دو اثر منظوم «ایلیاد» و «اودیسه» هومر (جنگ تروا)»، پارسیان دژ، ۱۳۹۵.

خواندن مقاله و پیوست های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<http://parsijandej.ir/articles/1816/pdf/دو-اثر-منظوم-ایلیاد-اودیسه-هومر.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵